

پذیرایی اولیه در قیامت !

جزء شانزدهم قرآن کریم که از آیه ۷۵ سوره مبارکه کهف آغاز و به پایان سوره مبارکه طه ختم می شود ، در بردارنده آموزه ها و پیام های روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آنها را نقل می کند.



پذیرایی اولیه در قیامت

در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه کهف درباره چگونگی برخورد با کافران در قیامت آمده است: **إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا .**

«نُزُلٌ» نخستین چیزی است که با آن از مهمان پذیرایی می کنند؛ مانند شربت یا میوه ای که در آغاز ورود مهمان برای او می آورند. [۱] بنابراین معنای آیه این می شود که ما جهنم را آماده کرده ایم تا در همان ابتدای ورود کفار به قیامت، وسیله پذیرایی شان باشد.

علامه طباطبایی (ره) در ادامه می نویسد: با در نظر گرفتن اینکه بعد از دو آیه می فرماید: در قیامت اینها اعمالی ندارند (فَحِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ) که وزن شود و محاسبه گردد (فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا) در جمع بندی فهمیده می شود که این گروه کاری در قیامت ندارند جز اینکه وارد جهنم شده و عذاب شوند؛ یعنی در بدو ورود وارد جهنم می شوند و کار برایشان تمام می شود .

در آیه ۱۰۷، همین تعبیر (نُزُلٌ) در مورد بهشت برای مومنان نیز آمده است (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا).

هم علامه (ره) در المیزان [۲] و هم آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر شان این سخن را نوشته و نقل کرده اند که معنا تأکید دارند که با توجه به معنای «نُزُلٌ» و با استفاده از دیگر آیات [۳] می توان به معنای لطیفی رسید و آن وجود عذاب و پاداشی فراتر از بهشت و جهنم توصیف شده در قرآن برای مؤمنان و کافران است.

خلاصه کلام اینکه بهشت و جهنم توصیف شده در قرآن کریم دو جلوه از رحمت و غضب الهی اند که مؤمنان و کفار در همان بدو ورود به قیامت با آن پذیرایی می شوند. بی تردید پذیرایی اصلی غیر از این پیش پذیرایی اولیه است و آن پاداش و عذابی است که الفاظ از حمل معنای آن و اذهان از درک آن عاجزند؛ برای همین در قرآن کریم جز با اشاره از آن یاد نشده است.

کسانی که با معارف و دستورات و حریم الهی غریبه بلکه متجاوز به آنها هستند؛ سروکارشان با این سگ است که به دستور خداوند از حریم او محافظت کرده و به آنها که مستحق هستند ، حمله ور می شود

عبادت نیازمند صبر و تحمل است

در آیه ۶۵ سوره مبارکه مریم سلام الله علیها ابتدا به عبادت پروردگار عالم امر شده است (رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ) و بعد بلافاصله امر به صبر و تحمل در آن (وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ).

شکیبایی در طاعت و بندگی خداوند متعال امری است که در روایات نیز به آن توصیه شده است و چنین صبری را یکی از انواع صبر برشمرده اند .

رسول خدا صلی الله علیه وآله در حدیثی می فرماید :

صبر سه نوع است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، بعد فرمودند:

پس هر که بر طاعت و بندگی خداوند متعال صبر کند ، خداوند برایش ۶۰۰ درجه می نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد:

(كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ ثُحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ). [۴]

شیطان سگ درگاه الهی

از برخی بزرگان مانند آیت الله شاه آبادی (ره) استاد حضرت امام (ره) نقل شده است که شیطان را سگ در گاه الهی خوانده اند .

شاید این تعبیر با عنایت به آیه ۸۳ سوره مبارکه مریم سلام الله علیها باشد که می فرماید:

أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تُوَزُّهُمْ أَرًا ؛ ما شیطان‌ها را بر سر کافران فرستادیم تا آنها را (به صوت اغوای خود همانند رمه حیوانات) از جاهایشان (به سوی گناه و فساد) به شدت برانگیزند؟

کلمه «أَرًا» عبارت است از تکان دادن به شدت و مراد آیه این است که شیطان‌ها، کفار را با شدت به سوی شر و فساد تکان داده؛ تحریک می کنند و به پیروی باطل تشویق نموده و به وسیله تزلزل از فضیلت استقامت و ثبات بر حق گمراهشان می سازند[۵] .

اینکه خداوند متعال فرستادن شیطان به سوی بدن را به خود نسبت می دهد (أَنَا أَرْسَلْنَا) برای آن است که بفهماند این در سزای اعمال بد آن‌هاست و خداوند برای عقاب آن‌ها چنین می کند.

با این تعبیر کسانی که محرم و آشنای این درگاه و آستان‌اند ، شیطان کاری با آن‌ها ندارد که برترین این افراد همان مخلصین هستند که قرآن کریم آن‌ها را از دست اندازی شیطان استثناء کرده است (إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ)

اما کسانی که با معارف و دستورات و حریم الهی غریبه بلکه متجاوز به آن‌ها هستند؛ سروکارشان با این سگ است که به دستور خداوند از حریم او محافظت کرده و به آن‌ها که مستحق هستند ، حمله ور می شود .

سعادت‌مند و رستگار کیست؟

این سوال بسته به دو دیدگاه همیشه موجود، دارای دو جواب است: یکی در آیه ۶۴ سوره مبارکه طه است و دیگری در آیات اول مؤمنون، ۱۴ اعلی و ۹ شمس.

دیدگاه اول، اعتقادی به آخرت نداشته و همه ی برتری‌ها را خلاصه در همین دنیا می داند که چه کسی با همین معیارهای محسوس از دیگران برتر و در نتیجه سعادت‌مند تر است . برای همین می گویند: قطعاً امروز کسی کامیاب است که برتری یابد (وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى). برتری‌های مادی هم روشن است که چیست؛ زر و زور بیش‌تر در نگاه تنگ انسان‌های مادی، دو عوامل مهم برای برتری بر دیگران است. در ادبیات دنیا طلبان هر که پول و زورش بیش، خو شبخت تر.

اما در ادبیات دینی که معیار برتری تقواست (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) [۶] کسی برتر است که با تقواتر باشد و سعادت‌مند کسی است که به خدا ایمان داشته باشد (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ) [۷] و در راه پاکی و رشد معنوی خود تلاش می کند (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى) [۸] و (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) [۹].

فرق زندگی با دین و زندگی بی دین

از آیات ۱۱۷، ۱۲۳ و ۱۲۴ سوره مبارکه طه به دست می آید که زندگی در این دنیا اگر با محوریت دین و بر اساس آیین حق باشد، سراسر آرامش و تهی از فشارهای روانی خواهد بود (فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى) هر چند از آسایش بدنی قابل توجهی برخوردار نباشد؛ مانند زندگی پیشوایان دین و اولیای الهی.

و اگر زندگی از مدار دین خارج شده و حول محور تمایلات نفسانی و رویگودانی از یاد خدا بچرخد، روی آرامش نخواهد دید و فشارهای روحی و روانی بر آن حاکم خواهد شد (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ نِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) هر چند آسایش تن و رفاه بدنی در آن موج زند.

پی نوشت ها:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن ۳۶۸/۱۳

۲. همان ص ۴۰۱

۳. مانند: لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵/ق)؛ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ (۱۷/سجده)؛ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷/زمر)

۴. کافی ۹۱/۲

۵. المیزان فی تفسیر القرآن ۱۰۹/۱۴

۶. ۱۳/حجرات

۷. ۱/مؤمنون

۸. ۱۴/اعلی

۹. ۹/شمس